

زبان شناسی جنایی در حقوق کیفری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر حسین یار احمدی^۱

فاطمه رضوانی

چکیده

در آمریکا زبان شناسان قانونی بیش از پیش به عنوان کارشناس به دادگاهها فراخوانده می شوند در پرونده های اندکی هم که قضات شهادت زبان شناسان را نپذیرفته اند شهرت و اعتبار زبان شناسی یا زبان شناسان مورد تردید نبوده است، بلکه نحوه ارائه یافته های زبان شناسان توسط وکلا محل تردید بوده است. در هر حال جدا از اینکه زبان شناسان به عنوان شاهد در دادگاه حضور می یابند یا خیر، وکلای مدافع و دستگاه های قضائی بیش از پیش از زبان شناسان قانونی می خواهند که به آنها در تحلیل زبان گفتاری و نوشتاری ای که به عنوان مدرک در دست دارند کمک کنند. به علاوه دانشگاه های بیشتر و بیشتری نیز به ارائه درس هایی در زمینه زبان و قانون می پردازند. لذا نتیجه این پژوهش در یافته های زبان شناسی حاکی از آن است که این مقولات که در چارچوب رویکرد زبان شناسی حقوقی مطرح می شوند، بیانگر رابطه نزدیک دو رشته زبان شناسی و حقوق است که امروزه با استقبال هرچه بیشتر محاکم قضایی آمریکا و اروپا روبرو شده است. است؛ اکنون زبان شناسان نیز به مسائلی چون تشخیص صدا، تعیین هویت نویسنده، اسناد مکتوب، عدم توازن قدرت در دادگاهها، ارتباط ناموفق وکیل-موکل، ماهیت شهادت دروغ، مشکلات مربوط به [فهم] متون قانونی، تهمت و افترا، تقلب در عنوانهای تجاری، تعبیر و ترجمه مکالمات در دادگاهها، کارآیی بروشورهای هشداردهنده و ماهیت مکالمات ضبط شده ای که به عنوان دلیل ارائه می شوند، می پردازند.

واژگان کلیدی: زبان شناسی قانونی، جنایی، جرم شناسی، کارشناس، حقوق کیفری

مقدمه

پیشرفت فناوری تجهیزات مربوط به ضبط صدا، زبان‌شناسی قانون را به پرونده‌های کیفری نیز کشانده است. از اواخر سالهای ۱۹۷۰ مراجع اجرای قانون از ابزارهای ضبط صدا برای پی بردن به فعالیتهای جنائی استفاده می‌کنند. صدای افراد مظنون یا با اجازه دادگاه و استفاده از ضبط صوتهایی که افراد از وجود آن بی‌خبرند ضبط می‌شود یا اینکه مأموران مخفی با کار گذاشتن میکروفونهایی در لباس خود، مظنون را به حرف می‌کشاند. در آمریکا برای ضبط مخفیانه صدا با استفاده از این میکروفونها، اجازه رسمی دادگاه لازم نیست. زبان حقوقی در نظر عامه مردم زبانی فنی و بسا نامأنوس و گهگاه نامفهوم است، اما به باور حقوقدانان چون قلمرو حقوق عرصه تحقیق در مباحث حقوقی و جولانگاه یقین و اطمینان نسبت به مسائل و بزنگاه دقت در قواعد و ضوابط است، بنابراین طرح زبان حقوقی باید به گونه‌ای در انداخته شود که امنیت قضائی را تضمین و آسودگی خیال کارشناسان را تأمین نماید. الفاظ و «صیغ» حقوقی عواملی هستند که مفاهیم و قواعد حقوقی را بیان میدارند این الفاظ و صیغ در قانون و نیز مقررات و نظامات مصوب قوه مجریه و تصمیمات قضائی و هم اسناد قراردادی فراوانند و گزارشگر معانی معین حقوقی میباشند و بدین جهت صرف نظر کردن از آنها - هر چند اساطیری بنمایند - دشوار است. از آنچه باز گفتیم میتوان به این نکته رسید که در فن حقوق نادیده انگاشتن واژه‌ها ناممکن است. بر واژه‌ها باید بدیدهء تحقیق نگریست و معلوم ساخت که در مقام بیان تفکر حقوقی آیا فقط الفاظ و کلمات زبان مشترک میان تمامی مردم، به شیوه‌ای خاص مورد استفاده قرار میگیرد و یا علاوه بر آن عناصر خارج از قلمرو زبان مشترک نیز بکار می‌آید؟ غالباً جدا کردن اندیشه از گزارش لفظی آن دشوار است، اما توجه به این تفکیک بایسته است. بدین اعتبار اندیشهء حقوقی منشاء و خاستگاه طراحی قاعدهء حقوقی و تکوین مفاهیم حقوقی و بسط و توسعه آنهاست، حال آنکه زبان تنها وسیله و ابزار و بنابراین گزارشگر و ناشر این معانی است. هنگامیکه زبان عامه با نیازمندیها و جنبه‌های اجرائی و اهداف و غایات حقوق دمساز میشود. یک زبان تخصصی بوجود می‌آورد. گفتیم که ممکن است دسترسی به این زبان برای اشخاص ناوارد اندکی دشوار بنماید اما این دشواری نباید انگیزه نقد و احیاناً طرد چنین زبانی باشد. راستی را بخواهیم، جنبه دیگر مساله خطرناکتر

است. بدین معنی که ممکن است به بهانه اشاعهء حقوق و عامه فهم کردن آن، دقت زبان حقوقی نادیده گرفته شود و در ساخت هماهنگی این زبان خلل راه یابد. وقتی پذیرفتیم که حقوق نیز همانند علوم دیگر روش و اصول و مفاهیم مخصوص دارد، نمی توان آن را از داشتن زبان خاص بی نیاز دانست.

بخش اول: آشنایی با مفاهیم زبان شناسی

بند اول: تعریف لغوی و مفاهیم نظری

زبان شناسی حقوقی یا زبان شناسی جنایی یا زبان شناسی قضایی شاخه ای از زبان شناسی کاربردی است که به کاربرد دانش و روش های زبان شناختی در بافت قانون، زبان حقوقی، جرم، بازجویی، محاکمه و رویه قضایی می پردازد. عمر این رشته به بیش از سه دهه نمی رسد. این رشته نوین حاصل پیوند دو حوزه زبان شناسی و حقوق است که با استفاده از ابزارهای زبانی و شواهد زبان شناختی به تجزیه و تحلیل کارشناسانه متون گفتاری و نوشتاری می پردازد و به پلیس و نظام قضائی در کشف حقیقت در دعاوی حقوقی یا اثبات وقوع یا عدم وقوع جرم در دعاوی کیفری در محاکم کمک می کند. از این رو مورد توجه نظام قضایی و پلیس کشورهای مختلف قرار گرفته است.^۱

اصطلاح زبان شناسی حقوقی (قانونی) از ترکیب دو کلمه صفت Forensic و اسم Linguistics می باشد. عناوینی همچون «زبان شناسی محکمه ای»، «زبان شناسی قضایی»، «زبان شناسی قانونی»، «زبان شناسی حقوقی» با این اصطلاح همخوانی و مناسب داشته باشند. اما از آنجا که از سال های گذشته "Forensic" با معادل «قانون» در ساخت اصطلاحات مشابه به کار رفته و امروزه در زبان فارسی پذیرفته شده اند، در نگاه اول به نظر می رسد که معادل «زبان شناسی قانونی» مناسب باشد اما با توجه به این نکته که معادل «زبان شناسی قانونی» معنای کاربرد یافته های زبان شناسی را در مسائل قضایی به ذهن شنونده متبادر نمی سازد و از طرف دیگر، رشته های حقوقی و زبان شناسی به عنوان دو رشته علمی دانشگاهی برای همگان شناخته شده اند در حالی که «قانون» به عنوان یک رشته علمی شناخته شده نیست، بهتر است معادل «زبان شناسی حقوقی» را برگزینیم. در تعریف "Forensic Linguistics" به

عنوان یک رویکرد جدید می‌توان گفت، همانطور که «پزشکی قانونی» علمی است که ناظر بر اعمال کلیه شاخه‌های علوم پزشکی بر اهداف مربوط به «قانون» می‌باشد و یا «آسیب‌شناسی قانونی» شاخه‌ای از پزشکی است که کارش مربوط است به بیماریها و اختلالات بدن از دیدگاه اصول و موارد قانونی و حقوقی و یا «راونیزشکی قانونی» رشته‌ای از پزشکی است که کارش رسیدگی به اختلالات روحی و فکری از دیدگاه اصول و موارد قانونی و حقوقی می‌باشد.^۱ به روش قیاس، زبان‌شناسی حقوقی علمی است که ناظر بر عملکرد کلیه شاخه‌های زبان‌شناسی از قبیل آواشناسی در تشخیص هویت فنون نگارش متون حقوقی، معنی‌شناسی، تجزیه و تحلیل کلام و متن ۷، در اهداف مرتبط با قانون در محاکم قضایی است، حوزه عملکرد تحقیقات زبان‌شناسی حقوقی (قانونی) از یک طرف دانش زبان‌شناختی و از طرف دیگر نیازهای مجامع قانونی و حوقی همچون دادگاهها می‌باشد رویکردهایی مانند زبان‌شناسی حقوقی (قانونی)، پزشکی قانونی، روان‌شناسی قانونی، آسیب‌شناسی قانونی و شیمی قانونی با هم شاخه «علوم قانونی» را در محافل علمی و قضایی غرب به وجود آورده است.

میرون در معرفی تحلیل زبان‌شناختی حقوقی معتقد است که تحلیل زبان‌شناختی حقوقی فرایندی است از تطبیق تشابهات سبکی در اسناد حقوقی مختلف با یکدیگر و سپس ارزش‌گذاری وجوه تشابه بر اساس تمایزات و بسامد مصداقها. او می‌گوید، البته چنین تحمیلی حتما تضمین‌کننده تشخیص هویت نویسنده سند مخدوش، بی‌نام و یا با نام جعلی یا مستعار نمی‌باشد، از نظر او نتایج تحلیل زبان‌شناختی می‌تواند با ارائه ادله در تعیین و اثبات نویسنده سند نقش بارزی ایفا نماید اما نمی‌تواند دیگر نویسندگان احتمالی را که می‌توانسته‌اند در جعل سند دست داشته باشند، تبرئه نماید.^۲ پرفسور دونالد فوستراستاد دانشکده واسر که یکی از چهره‌های علمی سرشناس در به کارگیری تجزیه و تحلیل سبکی برای تشخیص اسناد هم در متون ادبی و هم متون حقوقی است معتقد است که بین زبان‌شناسی و حقوق رابطه تنگاتنگی

^۱ - آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۴)، «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». مجموعه

مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۱۵ - ۲۲۵.

^۲ Tiersma, P. and L. Solan, (۲۰۰۴). Cops & Robbers: Selective Literalism in American Law. In: Law & Society Review, vol ۳۸, no ۲. PP ۲۲۲-۲۶۶

وجود دارد که یکی از این حلقه‌های ارتباط سبک‌شناسی حقوقی (قانونی) می‌تواند باشد که نیاز به آن در دادگاه‌های کاملاً مشهود است.^۱

زبان‌شناسی حقوقی شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی و حقوق است که در ده سال اخیر بخصوص از سال ۱۹۹۷ در محافل زبان‌شناسی و حقوقی آمریکا و اروپا نضج گرفته و از آن زمان هر روز از زبان‌شناسان در ارائه اسناد و شهادت در دادگاه‌های و ارائه نظر کارشناسی بر روی پرونده‌های محاکم قضایی جهت کشف حقایق و قضاوت دقیق‌تر بهره می‌جویند و این همکاری روزبه‌روز رو به گسترش می‌باشد.^۲ اگرچه دست‌اندرکاران امر قضاوت نخست با حضور زبان‌شناسی در محاکم قضایی در کشف حقایق چندان خرسند نبودند و در واقع این کار نوعی تهدید شغلی برای خود حس می‌کردند اما به زودی دریافتند که نظر کارشناسی متخصصان زبان‌شناسی در تشخیص موضوعات مورد مناقشه نقش مهمی ایفا می‌نمایند.^۳ با استفاده از نظر متخصصان زبان‌شناسی، در واقع دادگاه‌های آمریکا ماده قانونی ۷۰۲ را که در سال ۱۹۷۵ به تصویب رسیده بود، در مورد استفاده از زبان‌شناسی به مرحله اجرا درآوردند. بر اساس این ماده استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان مرتبط با موضوع پرونده به طور عام نه تنها در دادگاهها مجاز بلکه لازم شمرده شد. این قانون «نظر علمی متخصصان»^۴ را جایگزین «پذیرش عمومی» یا اجماع نظر غیر متخصص «قانون فرای‌اکه در سال ۱۹۲۳ به تصویب رسید و همچنان ملاک صدور رأی بود» نمود.

بند دوم: زبان‌شناسی جنایی چیست؟

اگر بخواهم زبان‌شناسی جنایی را به صورت ساده تعریف کنم، زبان‌شناسی جنایی عبارت است از به کارگیری زبان و مباحث مرتبط به آن در علوم مربوط به قانون، جرم، دادگاه، زندان و.... هدف اصلی نیز این است که از زبان‌شناسی به عنوان شاهد و مدرکی در مباحث قانونی استفاده شود.

^۱ - Shuy, R. W., (۱۹۹۸). Bureaucratic Language in Government & Business. Washington D. C.: Georgetown University Press.

^۲ - Tiersma, P. and L. Solan, (۲۰۰۴). Cops & Robbers: Selective Literalism in American Law. In: Law & Society Review, vol۳۸, no۲. PP ۲۲۲-۲۶۶

اصطلاح زبان‌شناسی قانونی از ترکیب دو کلمه صفت (Forensic) و اسم (Linguistics) می‌باشد. شاید عناوین دیگری همچون «زبان‌شناسی محکمه‌ای»، «زبان‌شناسی قضایی»، «زبان‌شناسی قانونی»، «زبان‌شناسی حقوقی» با این اصطلاح همخوانی و مناسبت داشته باشند. از آنجایی که از سال‌های گذشته «Forensic» با معادل «قانون» در ساخت اصطلاحات مشابه به کار می‌رود، به نظر می‌رسد که معادل «زبان‌شناسی قانونی» مناسب باشد. در تعریف «Forensic Linguistics» به عنوان یک رویکرد جدید می‌توان گفت، همانطور که «پزشکی قانونی» علمی است که ناظر بر اعمال کلیه شاخه‌های علوم پزشکی بر اهداف مربوط به «قانون» می‌باشد و یا «آسیب‌شناسی قانونی» شاخه‌ای از پزشکی است که کارش مربوط است به بیماری‌ها و اختلالات بدن از دیدگاه اصول و موارد قانونی و حقوقی و یا «روانپزشکی قانونی» رشته‌ای از پزشکی است که کارش رسیدگی به اختلالات روحی و فکری از دیدگاه اصول و موارد قانونی و حقوقی به روش مشابه، زبان‌شناسی حقوقی علمی است که ناظر بر عملکرد کلیه شاخه‌های زبان‌شناسی از قبیل آواشناسی در تشخیص هویت، فنون نگارش متون حقوقی، معنی‌شناسی، تجزیه و تحلیل کلام و متن، در اهداف مرتبط با قانون در محاکم قضایی است. حوزه عملکرد تحقیقات زبان‌شناسی قانونی از یک طرف دانش زبان‌شناختی و از طرف دیگر نیازهای مجامع قانونی و حقوقی همچون دادگاه‌ها می‌باشد.^۱

بند سوم: پذیرش بیان حقوقی به عنوان امری زبانی

میان زبان و بیان یک تفکیک اساسی وجود دارد. بیان در معنای نخست آن همان توانایی طبیعی سخن گفتن است. قابلیت بکار-گیری سخن یکی از ویژگی‌های انسان است و از کودکی آن را فرا می‌گیرد. زبان برآمد ویژه‌ای از این توانایی در میان جامعه‌ای است که مردمانش زبانی مشترک دارند. در مفهومی کلی-تر به این زبان، که زبان ملی^۲ هم می‌تواند باشد، زبان طبیعی می‌گویند. در این معنا فرانسه، فارسی، آلمانی و... زبان هستند. اگرچه این تبیین‌های معمول بسنده کنیم حقوق نه یک بیان به معنای نخست است و نه یک زبان در معنای

^۱ - آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۴)، «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». مجموعه

مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۱۵ - ۲۲۵.

^۲ - حبیبی، حسن، (۱۳۷۴)، «زبان حقوقی»، مجله نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۱، ۳۷-۱۳.

دوم. اما می-توان در درون یک زبان، نام «بیان» را به شیوه-ای ویژه از به کار گرفته -شدن یک زبان در میان یک گروه یا در یک حوزه کاری نیز اطلاق کرد. البته به شرط آنکه این شیوه سخن گفتن دست کم دارای آن مقدار از خاصیت‌های زبانی باشد که بتوان آن را به عنوان یک گفت ویژه بازشناخت و در نتیجه از «بیانهای ویژه» سخن گفت. اما آیا حقوق دارای چنین بیانی هست که بتواند بستری برای یک بررسی زبان‌شناسانه قرار گیرد؟ هرچند دلیل وجود چنین بیانی در حقوق از تخصصی بودنش جدا نیست ولی باز می-توان به دریافتی کلی از وجود آن، به عنوان یک امر زبانی خالص، دست یافت. دو امر ما را به سوی یک چنین برداشت مقدماتی هدایت می-کند: یکی واکنشهای آشکار نسبت به وجود این بیان است و دیگری وجود داده-های پایه-ای، که در ادامه به آن می پردازیم.^۱ از میان نشانه-های آشکار نخست باید به واکنش بی-درنگ اجتماعی نسبت به وجود چنین بیانی اشاره کرد. ره ناپردن بیان حقوقی به درک کسانی که تنها بر زبان همگانی تسلط دارند، نشانگر آن است که ارتباط-رسانی حقوق با یک نمای زبانی همراهی می-شود.^۲ فرد ناآشنا به بیان حقوقی نسبت به آن احساس بیگانگی دارد چرا که این بیان خارج از چرخه طبیعی فهم دو سویه-ای است که گفتگوی افراد یک جامعه زبانی با آن صورت می-گیرد. دریافت پدیده ابهام در فهم بیان حقوقی امری تجربی است. آموزش حقوق از همان آغاز کارش با این مشکل روبروست. تبیینهای مقدماتی که برای دور زدن این مشکل داده می-شود معمولاً صراحت فنی را قربانی برابر-نهادهای مردمی می-سازند. این امر را نیز می-توان با خوانش برخی از مواد قانونی یا توجیه-های یک تصمیم قضایی برای افراد ناآشنا به حقوق، هرچند دانش آموخته، تجربه کرد.^۳ این ابهام تا اندازه-ای مربوط به ترکیب برخی از واژه-هاست که بیان حقوقی نمی-تواند در کاربرد آنها صرفه-جویی کند. کارکرد این واژه-ها چیزی جز نمایش مفاهیم حقوقی در درون یک زبان همگانی نیست. ژ. کورنو پیشنهاد می-کند که این دسته از واژه-ها را «اصطلاحات انحصاری حقوق»^[۱۵] بنامیم. برای نمونه، در زبان فرانسه- می-توانیم به واژه-هایی چون: Irréfragable (فرض

^۱ - شای، راجردلیو، (۱۳۸۲)، «زبان‌شناسی قانونی»، ترجمه اعظم استاجی، مجله زبان‌شناسی، س ۲۰، ش ۲، ص ۱۶۳-

^۲ - حبیبی، حسن، (۱۳۷۴)، «زبان حقوقی»، مجله نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۱، ۱۳-۳۷.

^۳ - خسروی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، آیین نگارش حقوقی، تهران، موسسه انتشاراتی نگاه بینه.

نقض ناپذیر)، Nantissement (تامین مالی یک بدهی)، Synallagmatique (تعهد دو جانبه) و غیره اشاره کرد. در زبان فارسی واژه‌هایی چون «قسامه»، «لوث»، «برص»، «ناکل»، «تبعض صفقه»، «کلاله»، «هاشمه»، «موضعه»، «منقله» و «سوادِ مصدق» از جایگاه وابستگی انحصاری به حقوق برخوردارند. این واژه‌ها، به عنوان هسته سخت واژگان ویژه حقوقی، نخستین شاهدان بیان حقوقی هستند. اما راه دیگر برای پذیرش وجود بیان حقوقی در شکل کامل آن مربوط به اثبات داده‌های پایه‌ای و تشکیل دهنده آن است. بیان حقوقی وجود دارد زیرا حقوق به برخی از واژه‌ها معنایی ویژه می‌دهد. مجموع این واژه‌ها واژگان حقوقی را تشکیل می‌دهند که نخستین پایه بیان حقوقی است. واژگان حقوقی در درون یک زبان، مجموع واژگانی را تشکیل می‌دهند که دارای یک یا چند پذیره معنایی حقوقی هستند. دایره واژگان حقوقی از شمار واژه‌های که آنها را با عنوان وابستگان انحصاری حقوق می‌شناسیم فراتر می‌رود و همه واژه‌هایی که حقوق آنها را در حوزه خاص خود پذیرفته است را شامل می‌شود. همچنین می‌توان گفت که بیان حقوقی وجود دارد زیرا حقوق گزاره‌های خود را به گونه‌ای ویژه بیان می‌کند. مجموع این گزاره‌ها، گفتار حقوقی را به عنوان دومین پایه بیان حقوقی بنا می‌نهد. در درون یک زبان، گفتار حقوقی مانند هر گفتار دیگری از راه تحقق فردی‌اش به دنیا می‌آید؛ یعنی آن هنگامی که کسی در یک زمان و در یک موقعیت مشخص واژه‌های این زبان را به کار می‌گیرد تا به وسیله گزاره‌ای سخنی را در مورد موضوعی بگوید. نخستین واقعیت آشکار از گفتار حقوقی را می‌توان در متن‌های حقوقی جست (متن قانون، تصمیم دادگستری و غیره) این متن‌ها در این جا به عنوان رشته‌ای از گزاره‌ها مورد توجه‌اند. با این حال نوشته تنها یک نمونه از این بیان است، بیان شفاهی، لایحه دفاع و هنر خطابه نمونه‌هایی دیگر از گفتارهای حقوقی‌اند. بدینسان، هر بیانی از حقوق یک گفتار حقوقی است.^۱

اما پرسش مهم آن است که چه چیزی در بیان حقوقی هست که آن را از لحاظ زبان‌شناسانه ویژه می‌سازد. روشن است این ویژگی تنها به واژه‌های به کار گرفته شده بر نمی‌گردد چرا

^۱ - داوودی رئیس، ماندانا، (۱۳۸۴)، «تاثیر روابط قدرت بر ژانر دفاع کودکان بزهکار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

که این امر به «واژگان حقوقی» مربوط می-شود. حقوقی بودن یک گفتار به غایت حقوقی آن برمی-گردد. هر گفتاری که هدف آن آفرینش یا تحقق حقوق باشد گفتاری حقوقی است. معیار غایت، امری ذهنی و همزمان بر منطق و طنین گفتار حاکم است. هر کدام از این دو، اثرات زبانی چشمگیری بر بیان حقوقی برجای می-گذارند. منطق گفتار اثرات ساختاری با خود به همراه دارد و طنین، اثراتی از گونه سبک. بنابراین گفتار حقوقی با ساختار و سبکش شناخته می-شود. پس از معرفی این دریافت کلی از بیان حقوقی، ژ. کورنو به بررسی ویژگیهای این گویش می-پردازد.

بخش دوم: ویژگی های بیان حقوقی

ویژگی نخست به خاص بودن خود بیان حقوقی برمی-گردد. اما پیچیدگی سامانه حقوق، سامانه ای که با هزار دهان سخن می-راند، بیان حقوقی را بیانی چندگانه ساخته است.

بند اول: بیان حقوقی، بیانی خاص

در هر کشوری (اگر تنها به نمونه های کشورهای تک زبانه بسنده کنیم) بیان حقوقی کاربرد ویژه-ای از زبان همگانی است و یک بیان تخصصی را تشکیل می-دهد. بیان حقوقی یک کشور در زبان آن کشور زندگی می-کند از همان زبان جان می-گیرد. یک آرزوی مهم حقوقدان آن است که گفتار حقوقی از بهترینهای زبانش باشد و از آن درستی، ناب بودن و زیبایی را بهره برده باشد. اما خاص بودن این بیان، افزون بر وجود واژگان حقوقی و ویژه بودن گفتارهای حقوقی، به امور دیگری از جنس زبان-شناسانه یا زبّر زبان-شناسانه نیز برمی-گردد: این که بیان گروه خاصی از انسان-ها، بیانی فنی و سنتی است. بیان حقوقی اساساً از گروه کسانی که حقوق را به سخن در می آورند تاثیر پذیرفته است؛ کسانی که آن را تهیه و نشر می-دهند (قانونگذار)، کسانی که آن را می گویند (قاضیان)، جامعه حقوقدانان و به طور کلی تمام کسانی که در آفرینش و تحقق حقوق با هم کار می-کنند. در واقع حرفه-ای بودن این بیان آن را نه به یک حرفه واحد بلکه به یک شاخه کاری وابسته می-کند. در همین راستا، بیان حقوقی یک بیان فرهنگی نیز هست چرا که در استفاده از آن در درون فرهنگ حقوقی از جایگاه یک پیوند، یک ارزش و یک نیک--کرداری برخوردار است. با این حال، نباید کارکرد این بیان را به حد یک ابزار ارتباطی برای استفاده درون-حرفه-ای کاهش داد. رسالت

بیان حقوقی آن است که نه تنها بر تبادلات میان کارشناسان و دانایان به حقوق بلکه بر اطلاع-رسانی حقوق به تمام کسانی که متعلق موضوع حقوق هستند حاکم باشد. در این مورد می-توان گفت که بیان حقوقی، بیانی عمومی، اجتماعی و مدنی است. تسلط یک گروه بر این بیان تنها ناشی از حرفه آنهاست. به طور کلی این خاصیت امر زبان-شناسانه و یا اجتماعی - زبان‌شناسانه است که اطلاع رسانی-اش تحت تاثیر تقریباً انحصاری فرستنده آن باشد. با این حال، در نظر گرفتن دریافت کنندگان پیام عنصر-های هنجارمند و متعادل-ساز را در دو وجه وارد روند تحلیل آن می-کند؛ نخست این که تسلط یک گروه هیچ انحصاری به نفع آن گروه ایجاد نمی-کند و سپس، به حقوقدانان وظیفه اجتماعی بیان حقوقی را خاطر نشان می-سازد. قاعده «جهل به قانون پذیرفته نیست» اقتضاء می-کند که بیان حقوقی اگر نه بیان مردم، دست کم بیانی برای مردم باشد. توانایی ناشی از تسلط بر بیان حقوقی، برای دارندگان این توانایی یک وظیفه بیانی نسبت به دریافت کنندگان ایجاد می-کند. از آنجا که وظیفه امری حقوقی و سیاسی است می-بینیم که در این جا طرح به طور کلی تغییر می-کند: یعنی از امر واقعی به امر حقوقی، از واقعیت زبان-شناسانه به قاعده زبان-شناسانه، یا دست کم به یک توصیه می-رسیم. این همان میان-کنش میان حقوق و زبان است.^۱ بیان حقوقی، بیانی فنی نیز هست. این ویژگی دوم، در واقع، به خود ماده حقوق بر-می-گردد. در حوزه ارتباط زبان-شناسانه، این ویژگی به گونه-ای جدایی ناپذیر به مصداق^۲ (آنچه که نشانه بدان ارجاع می-دهد) وابسته است و نه به ارسال کننده (بی-آنکه پیوند میان آنها نادیده گرفته شود زیرا ارسال کننده، مصداق را نیز می-شناسد). آنچه که در این جا مهم است ردیابی موارد اجرای فنی بودن در بیان حقوقی است. این بیان فنی است نخست بنا به آنچه را که نامگذاری می-کند (یعنی در ارجاع به مصداق)، سپس بنا به شیوه-ای که آن را اظهار می-کند (یعنی با استفاده از واژگان و گاهی نیز در گونه گفتار). بیان حقوقی به واقعیتهای حقوقی نام می-دهد (یعنی نهاد-ها، عملیات حقوقی، مفهومی که خود حقوق می-آفریند و یا بدان-ها چارچوب می-دهد). همچنین حقوق با نامیدن واقعیتهای طبیعی و اجتماعی (چون تمام ابزارهای قوای عمومی، فعالیتهای اقتصادی،

^۱ - صالحی‌راد، محمد، (۱۳۸۵)، آیین نگارش آرای قضایی، تهران: موسسه انتشاراتی نگاه بینه.

^۲ - خسروی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، آیین نگارش حقوقی، تهران، موسسه انتشاراتی نگاه بینه

امور پایه-ای زندگی خانوادگی، قراردادها و جرم-ها) و با دادن نام حقوقی بدانها، آنها را بدل به امری حقوقی می-کند. در نامگذاری، تفکر حقوقی عنصرهایی را از واقعیت می برد تا آنها را به مفاهیمی حقوقی تبدیل کند. همین برش است که ایجاد واژگانی فنی را در پی می-آورد. بیان-های حقوقی نیز فنی-اند. این بیانها تفکر حقوقی را در همه کاربری-های دشوارش همراهی می-کنند؛ تفسیر، ارزیابی، فرضها، توصیف، اندیشیدن از آن جمله-اند. فنی بودن این بیان-ها در عالمانه بودن آنهاست. فنی بودن حقوق همچنین به وجود معنا و یا اقدام در راستای صراحت معنا وابسته است. فنی بودن بیان حقوقی یک اقتضای حتمی از وظیفه اجتماعی حقوق است. هر چند این ویژگی بیان حقوقی را از ارتباط-رسانی طبیعی متمایز می-سازد اما باید گفت چالشی که بیان فنی را در مقابل بیان جاری قرار می-دهد مبنای استواری ندارد چرا که زبان روزمره جایگزینی برای بیان حقوقی نیست. این دو تکمیل کننده هم هستند. بیان حقوقی برآمده از همان زبانی است که آن را در بر گرفته است. نشانه-های حقوقی چیزی جز نقطه-های برجسته روی ژرفای زبان همگانی نیستند. در حقیقت، دو اقتضای استفاده از زبان جاری و زبان فنی، با یک نیرو، خود را بر قانونگذار تحمیل می-کنند. هر آن گاه که ممکن است قانونگذار باید به گونه-ای سخن گوید که همگان او را دریابند چرا که جهل به قانون از هیچکس پذیرفته نیست. از دیگر سوی، هر گاه که لازم است قانونگذار باید از صراحت بیان حقوقی-اش بهره بگیرد، چرا که این بیان تضمینی برای شفافیت، امنیت و آزادی است.^۱

سومین ویژگی بیان حقوقی در سنتی و تاریخی بودن آن است. بخش عمده-ای از این بیان میراث سنت است. این سنت در مورد اندرزهای حقوقی بسیار دیرینه است ولی در حوزه بیان قانونگذاری و بیان قضایی، جدیدتر است. برای نمونه، حقوقدانان امروزی فرانسه آن گاه که به قانونگذاری-های دوره ناپلیون و نخستین رویه-های قضایی تفسیر کننده آنها مراجعه می-کنند وارد سرزمینی بیگانه نمی-شوند. حتی می-توان گفت که بیان حقوقی این سده با بیان حقوقی سده نوزدهم تفاوت بسیار زیادی ندارد. با این حال نباید از این امر نتیجه گرفت که بیان حقوقی بیانی کهنه است. در تعریف کهنگی، دیرپایی یک عنصر لازم است ولی کافی نیست. کهنگی آنگاه آشکار می-شود که امری حقوقی (واژه یا شیوه بیان) که وجود آن را باید بیشتر

^۱ - صفی، نفیسه، (۱۳۸۶)، ویژگی‌های کلامی جدل‌های میان زنان و مردان در دادگاه خانواده

از یک تحول حقوقی یا زبانی فرض کرد، به علت همین تحول، توان کاربری پیشینش را از دست داده باشد. از آنجا که معیار «کاربری» نیز مبهم است، باید دست به ارزیابی واژه به واژه زد و از هر گونه قضاوت کلی در مورد بیان حقوق دوری کرد. از سوی دیگر، سنتی بودن حقوق هیچ ناسازگاری با تحول آن ندارد. این بیان تکامل-پذیر است و همواره خود را نو می-کند. اهمیت نوآوری در واژه-های حقوقی نشانگر اصلی این تحول است. فشردگی این نوسازی به تناسب حوزه-های گوناگون حقوق تغییر می-کند.^۱

بند دوم: بیان حقوقی، بیانی چندگانه

بیان حقوقی دارای واقعیتهای یکپارچه نیست. چندگانگی این بیان هم به کارکرد-ها و هم به ابعاد گوناگون آن بر می-گردد. در مورد جنبه نخست باید گفت که بیان حقوقی بیانی عملی و در خدمت حقوق است، چه در مقام آفرینش آن و چه هنگام تحقق یافتنش. ف. ژنی آن را یک ابزار از فن حقوق می-داند که در کنار روشهای ذهنی، از جمله ابزار شکل دهی فنی حقوق موضوعه به حساب می-آید. این بیان کارکردهای گوناگونی دارد: تهیه قانون، حکم، قراردادهای و حتی ادبیات حقوقی. وانگهی، این بیان دارای سطوح مختلفی است، یعنی تنها یک بیان حقوقی وجود ندارد و می-توان از بیان قانونگزاری، قضایی، عرفی، قراردادی، اداری و آموزه حقوقی، برای دیگر نمونه-های آن یاد کرد. بررسی گفتارهای حقوقی نمی-تواند بدون توجه به این سطوح صورت گیرد. گونه-شناسی این گفتار-های حقوقی نشان می-دهد که این گفتار-ها خود ترکیبی هستند. وانگهی این تنوع نباید به نادیده گرفتن بستر مشترک سطوح بیانجامد. چند بعدی بودن بیان حقوقی با در نظر گرفتن دریافت کنندگان پیام حقوقی از این پیام هم روشن می-شود.^۲ در نظر گرفتن دریافت کنندگان در تحلیل بیان حقوقی نشان می-دهد که روابط گوناگونی میان فرستنده و دریافت کننده پیام وجود دارد. توان درک پیام در هر کدام از این پیامها بستگی به میزان شناخت دوسویه گیرنده و دریافت کننده از رمز و مصداق پیام دارد. دو گونه اصلی از این روابط را می-توان شناسایی کرد؛ الف. در یک

^۱ - شای، راجردلیو، (۱۳۸۲)، «زبان‌شناسی قانونی»، ترجمه اعظم استاجی، مجله زبان‌شناسی، س ۲۰، ش ۲، ص ۱۶۳-۱۷۴.

^۲ - لطیفی‌خواه، پریا، (۱۳۸۱)، «بررسی ساختار نحوی متن قانون مدنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد واحد مرکز.

گفتگوی بسیار باز، پیام از حقوقدانی به فردی ناآشنا به حقوق منتقل می-شود. این ارتباط در نابرابری میزان تسلط بر رمز و مصداق دو طرف گفتگو مشخص می-شود و با امکان فهم نشدن و یا بد فهمیده شدن پیام حقوقدان روبروست. ب. در گونه دوم گفتگو، که دامنه آن بسته است، ارتباط میان دو حقوقدان برقرار می-شود. این ارتباط که بر زمینه تفاهمی پیشینی استوار است و عاملی است برای تخصصی ساختن بیان و مختصر-سازی آن، زیر بنای یک جامعه بیانی را تشکیل می-دهد. گونه-های دیگر گفتگو را می-توان میان دو ناآشنا به حقوق و یا پیام فردی ناآشنا به حقوق به حقوقدان تصور کرد. چنین است که در بیان حقوقی سطوح-مختلف و روابط گوناگون آشکار می-شود و زبان شناسی جنایی آنها را موضوع مطالعه خود می-سازد.

بخش سوم: زبان شناسی جنایی و حقوق کیفری

بند اول: زبان شناسی جنایی و حقوق

همان گونه که گفته شد، در زبان شناسی جنایی، زبان-شناسی عمومی به صورت کامل، و ساده به کار گرفته نمی-شود. در این زمینه، موضوع زبان-شناسی عمومی به آنچه که حقوق از زبان می خواهد، چه به عنوان «مصرف کننده» زبان طبیعی و چه به عنوان «تولید کننده» گفتاری ویژه، محدود می-شود. زبان شناسی جنایی تمام مسئله-های مربوط به بیان که از لحاظ حقوقی مناسب هستند را بررسی می-کند. از این جاست که موضوع زبان شناسی جنایی سمت و سوی گوناگونی به خود می-گیرد و گسترش می-یابد. بنا براین می-توان گفت زبان شناسی جنایی نخست وارث یک سنت حقوقی است، دوم دانشی کمکی برای حقوق به شمار می-آید و سپس، در بردارنده حقوق زبانی است. در ادامه به این سه مورد می-پردازیم.

الف. زبان شناسی حقوقی وارث سنت حقوقی. دغدغه زبان در نزد حقوقدانان، هم در زمینه تفسیر متون هم در مورد هنر گفتار، دغدغه-ای دیرینه است. معنی واژه-ها و نظم گفتار مسایلی باستانی-اند. از آنجا که دفتر این مسایل هنوز باز است، استمرار آنها از دو سو بر موضوع زبان شناسی جنایی تاثیر می-گذارد. نخست از دیدگاه یک جستجوی ترازمانی در مورد بیان

حقوقی و سپس از نظر بلاغت.^۱ در مورد اهمیت یک دیدگاه ترازمانی نسبت به بیان حقوقی باید گفت که در نگاه نخست، مطالعه واژه‌های حقوقی و گفتارهای حقوق از دیدگاه همزمانی^۲ صورت می‌گیرد. زبان شناسی جنایی کارکرد بیان حقوقی را با استناد به کاربرد امروزی آن تبیین می‌کند. اما حقوق دارای بعدی تاریخی است که توجه به آن در بررسی بیان حقوقی لازم است. مفسر یک واژه یا یک متن حقوقی در تاریخ به دنبال یک مرجع حقوقی می‌گردد. حقوقدان همواره به سرچشمه حقوق برمی‌گردد. روشن است که این مسیر یک مسیر زبان‌شناسی است. این گونه دغدغه‌ها در زبان شناسی جنایی گونه‌های ویژه‌ای از پژوهش را پیش رو می‌نهد؛ جستجوی ریشه‌شناسی، بررسی دگرگونی‌های معنایی، ثبت نوآوری‌های واژگانی و در یک کلام نگاهی به تحول زبان حقوق. دیدگاه ترازمانی تنها نگاهی به گذشته دور نیست، یک دیدگاه فرارونده است که جنبشهای نوین را نیز در برمی‌گیرد.

دومین تاثیر سنت حقوقی بر موضوع زبان شناسی جنایی در حوزه هنر سخنوری است. جای خوشبختی است اگر زبان شناسی جنایی به خوب و درست گفتن کمک کند، اما هدف آن به دست دادن رساله‌ای در باره بلاغت، انتشار قاعده‌های هنر سخنوری یا، به عبارتی، هنر شاعرانه حقوق نیست. با این حال در حوزه ساده تبیین، زبان شناسی جنایی با هنر گفتار و هنر بیان روبرو می‌شود، هنرهایی که در آن سنت حقوقی غوطه‌ور است. اگر جنبه‌های بلاغت یک گفتار را کنار بگذاریم، در زمینه بنیادها و توانمندی‌های یک گفتار، زبان شناسی جنایی با هنر سخنوری هم‌پیوند می‌شود و از این جا دو راه برایش گشاده می‌گردد. نخست این که زبان شناسی جنایی، در بررسی گفتار حقوقی، چیزهایی را از فن سخنوری می‌گیرد و به کمک این فن است که در گفتار حقوقی اراده باوراندن^۳ و برانگیختن را شناسایی می‌کند. فن سخنوری نه تنها در این گفتارها اثراتی صوری به جا می‌گذارد بلکه ساختار آن را نیز هدایت

^۱ - Villey M., (۱۹۵۷) « Une controverse sur le sens du mot « jus » », in Leçon d'Histoire de la philosophie du droit, Dalloz, p. ۲۴۹ s.

(۱۹۶۹) - L'archéologie du savoir, Paris, Gallimard.

^۲ - Synchronique

^۳ - Intension de persauder

می-کند؛ نتیجه-گیری بخشها، دلیل-های حکم و شرح دلیل-های پیشنهاد تصویب قانون نمونه-هایی از این موضوعند. درسطحی گسترده-تر، زبان شناسی جنایی منابع نقد ادبی را ضمیمه خود می-کند تا آنها را بر بیان حقوقی اعمال کند. این جاست که مطالعه سبک متن-های حقوقی جای خود را می-یابد. با جرات می-توان گفت که سبک-شناسی حقوقی یکی از بخش-های انکار نشدنی زبان شناسی جنایی است. سبک قوانین، حکم-ها، سندها و حتی توصیه نامه-ها وارد حوزه پژوهشی زبان شناسی جنایی شده اند.

ب. زبان شناسی حقوق، علم کمکی حقوق. زبان شناسی جنایی را می-توان به تعبیر ژان کاربونی، «علم کمکی حقوق» نامید. این کارکرد استفاده-های گوناگونی را پوشش می-دهد. زبان شناسی جنایی در کارهای خود هر کدام از علوم حقوقی، علم بنیادی حقوق و هنرهای کاربردی و حتی دیگر علوم کمکی، همانند تاریخ حقوق، حقوق تطبیقی، جامعه-شناسی حقوق-، حقوق را یاری می-دهد. در زمینه هنرهای کاربردی حقوق، زبان شناسی جنایی هم در مرحله آماده-سازی و هم در مرحله تحقق حقوق خدمات ویژه-ای را ارائه می-کند. نخست آن که در خدمت مستقیم بیان حقوق است و در همه مراحل بیان و در نزد همه شیوه-های آن و در همه اقداماتی که آماده-سازی و یا اجرای حقوق را همراهی می-کنند چیزی برای گفتن دارد. زبان شناسی جنایی را می-توان کمکی برای شاخه-ای از علم قانونگذاری نامید که همان فن قانونگذاری است. در مرحله بعد، زبان شناسی جنایی در هنگام تفسیر و فهم سند حقوقی به کار می-آید، هم در بازگشتش به گذشته برای بررسی مسیر آفرینش حقوق، هم در کمکی که به نوشتن و خواندن متن می-کند و هم در بالا میزان دقت در خوانش متون. زبان شناسی جنایی همچنین در خدمت تفسیر است چرا که هر تفسیری از پژوهش درباره ادبیات و متن آغاز می-شود. مکتبهای تفسیری پیش از آنکه از هم جدا شوند همه این مسیر متنی را سپری می-کنند. با همین نگاه زبان-شناسانه بر روی واژه-ها و جمله-ها است که می-توان معنایی راجاییابی کرد و یا آن را آزاد ساخت، خواستی را آشکار نمود و یا مصلحتی را شناسایی کرد، مسیر یک تفکر را رد-یابی کرد، از یک اشتباه و یا یک معنای اشتباه پرده برداشت و تردید-ها را غریبال کرد و اساس را دریافت. در یک کلام، علم واژگان و گفتار نخستین کلید

تفسیر حقوقی است. این علم تمام امکانات و روشهای تحلیل متن چون یافتن واژه‌های کلیدی، استخراج موضوعات و جستجوی ساختار را گسترش می‌دهد.^۱

زبان شناسی جنایی همچنین علمی کمکی برای علم بنیادین حقوق است. در این -جا زبان شناسی جنایی همراه ناپیدا ولی یار همگام اندیشه حقوقی در تمامی مسیرهای آن است. زبان شناسی حقوقی کمک می‌کند تا مفاهیم بنیادی حقوق و نیز عملیات اساسی تفکر حقوقی، از راه توجه به نشانه‌های زبانی، به صراحت بیشتری دست یابند. همچنین می‌توان گفت که رهیافت تحلیل زبان-شناسی یکی از رهیافت‌های صوری علم بنیادی حقوق را تشکیل می‌دهد و تمام آنچه که شکل برای محتوا به همراه دارد را در نظر می‌گیرد. شناسایی گروه -واژه‌های حقوقی و تحلیل روابط میان آنها دو نمونه از موضوعاتی است که کمک زبان شناسی جنایی به تحقق یافتنشان کمکی مهم است. شناخت هر گروه حقوقی (چه مربوط به یک نهاد، یک حق، یک سند و...) با استفاده از محک «تبیین» به دست می‌آید. تبیین «واقعی» از مفاهیم حقوقی یکی از کارهای دقیق و پربار زبان شناسی جنایی است. کار تبیینی، به تسلط یافتن بر مفاهیم حقوقی می‌انجامد. همچنین در پرتو پژوهشهای واژگانی جستجوی روابطی که گروههای حقوقی را به هم پیوند می‌دهد پر و بال بیشتری می‌یابد. وانگهی گروه بندی عنوانهای حقوق بر اساس خانواده واژگانی یکی از روشهای نشان دادن شبکه مفاهیم حقوقی است. زبان شناسی جنایی به دلالت حقوقی در معنای گسترده آن، یعنی شناخت حقوق، شناخت یک رویداد و پیوند دادن آن به حقوق، نیز یاری می‌رساند. زبان شناسی جنایی در واژه‌ها و بیان‌ها تمام اثراتی را جستجو می‌کند که رهیافت تفکر حقوقی بر جای می‌گذارد و با یافتن نشانه‌هایی در گفتار حقوقی به بازسازی مسیر تفکر کمک می‌کند. در این معنا، زبان شناسی جنایی به ساختار گفتار حقوق می‌پردازد و آن را تجزیه می‌کند. زبان شناسی جنایی در یک بیان حقوقی، گذر از یک رویداد به حقوق، از شرط به نتیجه را، در همه پیچ و خمهای آن دنبال می‌کند.^۲

^۱ - Schroeder F. M., (۱۹۷۸) Le nouveau style judiciaire, Paris, Dalloz.

^۲ - Villey M., (۱۹۵۷) « Une controverse sur le sens du mot « jus » », in Leçon d'Histoire de la philosophie du droit, Dalloz, p. ۲۴۹ s.

زبان شناسی جنایی همراهی برای دیگر علوم کمکی حقوق است: از میان این علوم کمکی می-توان از یک سو به پیوند میان زبان شناسی جنایی، تاریخ حقوق و حقوق تطبیقی اشاره کرد و از دیگر سو، به پیوند آن با جامعه-شناسی حقوقی و انفورماتیک حقوقی. در مورد گروه نخست از علوم نامبرده باید گفت همان گونه که زبان شناسی جنایی به شناخته شدن عنصرهای زبانی در سامانه حقوق داخلی کمک می-کند، همین خدمت را نیز می-تواند در شناسایی وضعیت گذشته یک مقوله حقوقی و یا یک سامانه حقوقی خارجی نیز ارائه دهد. وام-گیری واژه-ها از سوی حقوق داخلی از تاریخ حقوق و یا حقوق تطبیقی و ترجمه آنها مسایل زبانی مهم و ویژه-ای را به همراه خود دارد. ناگفته نگذاریم که روش زبان شناسی جنایی دست کم از دو جهت دارای ماهیتی جامعه شناسانه است: بیان حقوقی در کاربردش توسط یک گروه اجتماعی - حرفه-ای (برای نمونه، گویش کارکنان کاخ دادگستری) و، به گونه-ای کلی-تر، هنگامی که ارتباط رسانی گفتار حقوقی را در موقعیتی معین بررسی می-کند و همزمان شخصیت فرستنده و گیرنده پیام را در نظر می-گیرد. در واقع می-توان گفت که سطوح گوناگون بیان و روابط این سطوح هم موضوعاتی در حوزه بررسی زبان-شناسی-اند و هم موضوعاتی در حوزه بررسی رفتارهایی اجتماعی. مکمل بودن رهیافت این دو رشته از همین جاست. انفورماتیک حقوقی نیز بیان حقوقی را نه تنها به عنوان ماده کاری خود بلکه به عنوان یک حوزه پژوهشی در نظر می-گیرد. انفورماتیک حقوقی عملیات و پژوهشهای زبان-شناسانه را عمق و گستره می-دهد و در بررسی خود از متن-ها و واژه-های حقوقی، هم به واژگان و هم به گفتار حقوقی توجه می-کند. مسایل مختلف مربوط به چند-معنایی، هم-معنایی، جستجوی واژه-های کلیدی، تحلیل محتوا، حوزه-های معنایی و مجموعه-های واژگانی همه از جمله اموری هستند که در انفورماتیک حقوقی مورد توجه قرار می-گیرند. در این دورنما-ست که می-توان زبان شناسی جنایی را علمی کمکی برای انفورماتیک حقوقی دانست. با این حال باید افزود که انفورماتیک حقوقی زبان-شناسی و بیان حقوقی را با نیازهای ویژه خود سازگار می-سازد و به همین خاطر دیدگاه متخصص انفورماتیک در مورد مسایل مربوط به بیان و زبان با دیدگاه یک واژه-نگار یا قانوننگار الزاما یکسان نیست.^۱

ج. زبان شناسی جنایی حامل حقوق زبان. هر چند موضوع زبان شناسی جنایی اساساً بیان حقوقی است، ولی به بررسی حقوق بیان نیز می-پردازد. در هر سامانه حقوقی عنصرهایی پراکنده از حقوق زبانی وجود دارد. شایسته است که این عناصر گرد-آوری شوند و موضوع یک پژوهش منسجم قرار گیرند. محتوای این پژوهش به طور اجمالی به صورت زیر خواهد بود. حقوق زبانی، زبان را در دو سطح، مرتبط به هم، مطالعه می-کند. سطح نخست به اثرات حقوقی عمل بیان مربوط می-شود. برخی اعمال بیانی به نتایج حقوقی راه می-برند. برای نمونه، بیان یک گفته، به موجب حقوق، تولید-گر حق می-شود و در اعمال مبتنی بر رضایت، اظهار شفاهی رضایت، به خودی خود و به تنهایی، برای آن که گوینده را از لحاظ حقوقی متعهد کند، کافی است. مهم نیست که این رضایت مربوط به اعمال حقوقی چند جانبه باشد یا نمایانگر اراده یک جانبه در سامانه-ای حقوقی باشد که تعهدهای یک جانبه را پذیرفته است («قول می-دهم»، «هدیه می-کنم»، «اجازه می-دهم» یا «می-پذیرم»). این اثر وابسته به اصل استقلال اراده و حرمت عهد (ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه) با اظهار آوایی گفته تحقق پیدا می-کند. اما اظهار کتبی رضایت همان قدر بلکه بیشتر دارای اثر حقوقی است. در اعمال توافقی و در اعمال تشریفاتی، امضاء عملی ترسیمی است که تعهد می-آفریند. نمونه-های بسیار دیگری هم در این زمینه وجود دارد، مثلاً توان حقوقی قسم به بیان خود گفتاری است که قسم را تشکیل می-دهد. تصمیم حقوقی به صرف همین صدور بیانی-اش در عباراتی چون «حکم می-کنیم» یا «محکوم می-کنیم» وجود دارد. در واقع، فعلی که کنش را بیان می-کند (مثلاً «متعهد می-شوم») همین که گفته شد کنش را به پایان می-رساند. در حقیقت گویش، عمل را کامل می-کند. گفته، فعلی حقوقی است. همیشه حقوق پذیرفته-است که گفتن، عمل کردن است.^۱ اکنون می-دانیم که نظریه زبان-شناسانه اعمال بیان در نزد حقوق دانان اهمیت زیادی یافته است، همچنان که اثر کنشی بیان در کاربردهای فراوانش در زمینه-های حقوقی. حقوق این مقولات را به دو گونه طرح کرده است؛ نخست این حقوق موضوعه است که

Viandier A., (۱۹۸۸) Recherche de légistique comparée, Fondation européenne de la science, Springer – Verlag, ۱ - Berlin

^۱ - لطیفی خواه، پریا، (۱۳۸۱)، «بررسی ساختار نحوی متن قانون مدنی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان شناسی، تهران: دانشگاه آزاد واحد مرکز.

نشانه‌های خود را چه در علت و چه در اثر عمل بیان قرار می‌دهد. در واقع، این حقوق است که آن شرایط حقوقی که اثر کنشی بدان وابسته است و نیز نتایج حقوقی ناشی از آن را معین می‌کند. وانگهی، حقوق نه تنها بر اعمال بیانی (مواردی چون قرارداد، حکم قضایی یا شیوه‌های اثباتی همچون اقرار، قسم) بلکه بر اعمال بیانی که از دیدگاه حقوق رویداد ساده حقوقی هستند (برای نمونه توهینها) نیز نتایج حقوقی قایل می‌شود. بنابراین، اثراتی که حقوق به اعمال بیانی حمل می‌کند انحصاری حقوق نیستند بلکه ممکن است از دیگر استفاده‌های که از زبان طبیعی می‌شود ناشی شوند. به بیان دیگر عمل بیان دارای اثر حقوقی می‌تواند به خودی خود حقوقی نباشد بلکه دارای نتیجه حقوقی باشد. امر زبان-شناسانه تنها بواسطه اثر آن است که حقوقی می‌شود.

د. قواعد حقوقی مربوط به استفاده از زبان. حقوق در هر کشوری به شیوه خودش استفاده از زبان را اداره می‌کند. در این -جا استفاده از زبان، خود موضوع قاعده حقوقی می‌شود. بنابراین حقوق می‌تواند آزادیهای زبانی را بپذیرد (حق صحبت کردن با زبان دلخواه)، یا این که الزامهای زبانی (الزام آموزش یا یادگیری یک یا چند زبان معین) و ممنوعیت-های زبانی (ممنوعیت استفاده از برخی واژه‌ها و یا بکارگیری زبانی در استفاده-ای معین) وضع کند. در یک کلام بخشی مهمی از قواعد حقوقی به چگونگی استفاده از زبان طبیعی اختصاص یافته‌اند. این قواعد از لحاظ جایگاه اجرایی آنها زبان-شناسانه هستند ولی محتوای آنها حقوقی است. در کشورهایی که در آنها دو زبانگی بر حقوق حاکم است، حقوق زبانی رشد بیشتری پیدا کرده است. برقراری جایگاهی برابر برای همه زبان-های رسمی یک کشور از جمله مقولات حقوقی مربوط به زبان است. به عنوان نمونه قانون اساسی کانادا مقرر می‌دارد که زبان-های فرانسه و انگلیسی زبان-های رسمی کشور هستند و از لحاظ کاربرد در نهادهای پارلمانی و دولتی کانادا از امتیازها و حقوق برابر برخوردارند.

بند دوم: کاربرد زبان شناسی جنایی (شناسایی مولف)

یکی دیگر از کاربردهای زبان شناسی قانونی، شناسایی مولف اسناد مکتوب است. یکی از کاربردهای آن نیز شناسایی نویسنده نامه های تهدید آمیز می باشد. اسناد کتبی را می توان از دو جنبه پروفایل نمود:

۰ از دید روانشناسی: شناسایی ویژگی های رفتاری و روانشناسی نویسنده

۰ از دید زبان شناسی: شناسایی ویژگی های زبانی متن نوشته شده. مواردی چون: ویژگی های زبانی قابل استخراج از متون به دو دسته تقسیم می شوند.

۱- تعیین کننده های زبان (Linguistic Indicator) ۲- ناحیه و منطقه زندگی ۳- گویش و لهجه ۴- سن

۵- جنسیت ۶- میزان تحصیلات ۷- شغل و حرفه

آنالیز سبک: ۱- مقایسه سبک سند با سبک اسناد مربوط به افراد مشکوک ۲- این سبک ها از عادت های افراد هنگام نوشتار به وجود می آید. ۳- الگوی جا دادن عبارات ۴- استفاده از برخی ساختار به صورت موازی ۵- حذف that در ساختارهای متممی ۶- خطاهای ناخواسته و بدون فکر ۷- علامت نقطه گذاری ۸- ساختار و ویژگی های گفتمان ۹- ویژگی های چاپی مانند زیرخط، خط زخیم و خط اریب^۱

البته نکته قابل توجه این است که این تکنیک ها بیشتر باعث می شوند تعداد افراد مشکوک کمتر شود. اما باز هم این امکان وجود دارد که بتوان نویسنده یک متن را به صورت دقیق تعیین نمود.^۲

بند سوم: کاربرد زبان شناسی جنایی (شناسایی گوینده صوت)

یکی دیگر از کاربردهای زبان شناسی جنایی که از دیگر حوزه های زبان شناسی جنایی سابقه بیشتری دارد، بحث شناسایی گوینده یک صوت است. مهمترین مصداق آن نیز زمانی است که شخصی یک پیغام صوتی تهدید آمیز برای شخص دیگری ارسال می کند و در اینجا هدف شناسایی صاحب این صحبت ها است.

کاری که در عمل انجام می شود، این است که بایستی صداهای افرادی که به آن ها مشکوک هستیم با صدای ضبط شده مقایسه شود. در این مقایسه بایستی پارامترهای مختلف مدنظر قرار

۱ - علائم اختصاری به کار رفته در تجزیه و تحلیل آرا عبارتند از: و ح (واژه حقوقی)، و ع (واژه عربی)، ع ح ا (عبارت حرف اضافه ای)، س م (ساخت مجهول)، رخ (رسم الخط)، ع ن (علامت نا به جا).

۲ - حبیبی، حسن، (۱۳۷۴)، «زبان حقوقی»، مجله نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۱، ۱۳-۳۷.

گیرد که این پارامترها همان ویژگی‌هایی زبانی مورد استفاده هنگام صحبت کردن هستند. با این بحث، کاربرد زبان‌شناسی در بحث شناسایی گوینده مشخص می‌شود.

البته به صورت عام دو روش کلی جهت تشخیص گوینده وجود دارد. اگر کیفیت فایل صوتی خوب باشد، می‌توان از روشی خودکار به نام spectrographic استفاده نمود. اما وقتی کیفیت صوت ذخیره شده پایین باشد، نقش زبان‌شناسان پررنگ‌تر شده و آنها بایستی با کمک مهارت‌های phonetics، گوینده صدا را تشخیص دهند.

البته روش‌های شناسایی گوینده معایب و مشکلاتی دارند. از قبیل:

• آنالیز Spectrographic در برخی دادگاه‌ها قابل قبول نیست.

• گاهی نیاز است که متهمان همان متن صدا را بخواند که خواندن یک متن با گفتار آن به صورت عادی متفاوت است.

• متهمان ممکن است متن مورد گفتار را با گویش یا لهجه یا Phonetic متفاوت بیان کنند.

• دادگاه‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند از تجهیزات الکترونیکی استفاده کنند تا از تجربه و تخصص زبان‌شناسان

آنچه به صورت واقعی رخ می‌دهد، ترکیب Spectrographic با تکنیک‌های زبان‌شناسی بیان و ادا (Articulatory) می‌باشد.

بند چهارم: کاربرد زبان‌شناسی جنایی (دستورالعمل نامناسب)

یکی دیگر از کاربردهای زبان‌شناسی، شکایت از صاحبان یک محصول به دلیل عدم ثبت اطلاعات کافی یا اطلاعات نادرست در مورد چگونگی استفاده از محصول است.

گاهی ممکن است که استفاده کننده به خاطر استفاده نادرست از یک محصول، دچار آسیب دیدگی یا ضرر شده باشد و علت اصلی آن نیز تبعیت کردن از دستورالعمل ثبت شده بر روی محصول باشد. اما اینکه اجرای این دستورالعمل منجر به آسیب رسانی به مصرف کننده می‌شود همان مورد شکایت بوده و شاکی بایستی به نحوی آن را اثبات نماید.

در اینجا است که زبان‌شناسان به کمک قانون‌شناسان می‌آیند. در چنین مواردی وظیفه زبان‌شناسان این است که با کمک علم زبان‌شناسی ثابت کنند که:

۰ آیا برچسب های اطلاع رسانی اصول صحیح قوانین استفاده از محصول مربوط به کارخانه را بیان می کنند یا خیر؟

۰ آیا دستورالعمل بیان شده، واضح، بدون ابهام و به صورت بهینه هست یا خیر؟^۱

بند پنجم: کاربرد زبان شناسی جنایی (علائم تجاری)

در این پست به بحث پیرامون یکی از موضوعات فوق یعنی «مسائل زبان شناسی مرتبط با شکایات و مناقشات پیرامون سوءاستفاده از علائم تجاری» کالا می پردازیم:

متخصصان زبان شناسی، بخصوص آواشناسان در سیر مراحل قانونی پرونده های حقوق علائم تجاری کالاها فعالیت دارند. مشکلات و شکایاتی در محاکم قضایی مطرح می شود که طی آن برخی از شرکت های تولیدی و تجاری، علائم تجاری کالا های خود را خواه به نام اشخاص و خواه شرکت های معتبر انتخاب می کنند که با عناوین کالا های موجود در بازار که در بین مصرف کنندگان دارای حسن شهرت هستند تشابهات زبان شناختی بخصوص تشابهات آواشناختی بسیار زیادی دارند؛ مانند عناوین تجاری کالا های زیر که بسیار به لحاظ آوایی شبیه هستند و در بازار آمریکا و اروپا مسأله ایجاد نموده اند. برخی از آنها به عنوان داده های تحقیق، عبارتند از:

Avita در مقابل Aveda -- McSleep در مقابل McDonald -- ExBier در مقابل Beck's Beer
Comset در مقابل Comsat -- Dyprin در مقابل Diaparene -- Bonamine در مقابل
Dramamine -- Listogen در مقابل Listerine -- Latouraine در مقابل
Lorraine -- Snarnoff در مقابل Simirnoff.

دریافت حق صاحبان علائم و عناوین کالا های تجاری در محاکم تجاری و در محاکم قضایی نیاز شدید به مدرک و شاهد تخصصی دارد، چرا که اینگونه عناوین بسیار نزدیک به یکدیگر می باشند و همین تشابهات سبب گمراه شدن و سردرگمی خریداران کالا ها می شود. و در

۱ - خسروی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، آیین نگارش حقوقی، تهران، موسسه انتشاراتی نگاه بینه. | ۲۹۲

نتیجه ضرر و زیان آنها را در بسیاری از موارد به دنبال دارد و شرکت های تولیدکننده کالاهای اصل نیز متضرر خواهند شد.^۱

وقتی که اینگونه مسایل جدی در سطح گسترده جهان در زندگی روزمره مردم و شرکت های تولیدکننده مطرح هستند، جای تعجب نیست که دادگاه ها بدون هیچگونه تردیدی جهت احقاق حقوق تضییع شده حضور زبان شناسان را در کنار خود لازم و ضروری بدانند.

جهت حل مسائلی از این نوع، آواشناسان و واج شناسان می توانند راهگشا باشند. یکی از زمینه های مطالعات زبان شناسان تحقیقات آواشناسی و معناشناسی است. آواشناسی شاخه ای از علم زبان شناسی است که به بررسی ویژگی های صوتی گفتار می پردازد که در درون خود به چهار نوع تقسیم می شود: به آن نوع از آواشناسی که به چگونگی تولید آواهای گفتاری می پردازد آواشناسی تولیدی، و به آن نوع از آواشناسی که به ویژگی های فیزیکی امواج صوتی می پردازد آواشناسی آکوستیک می گویند. آواشناسی شنیداری آن شاخه از آواشناسی است که به چگونگی دریافت امواج صوتی بوسیله گوش و سپس پردازش و دریافت آن می پردازد و اخیراً با توجه به اهمیت کاربردی آواشناسی در علم حقوق شاخه جدیدی از آواشناسی تحت عنوان آواشناسی قانونی یا حقوقی تعریف شده است که مسایل و موارد مرتبط با حقوق در خصوص تشخیص هویت گوینده و تجزیه و تحلیل مدارک و مستندات ضبط شده در نوارهای صوتی می پردازد. هر یک از شاخه های فوق به نحوی مرتبط با مشکلات مطرح شده در پرونده های قضایی می باشند.

به طور کلی زبان شناسان بایستی شباهت دو کلمه را به یکی از ۳ روش زیر شناسایی کنند:

- شبیه بودن که اشاره به علم خط شناسی دارد.
 - هم صدا بودن که اشاره به علم واج شناسی دارد.
 - هم معنی بودن که اشاره به علم معناگرایی دارد
- کاربردهای زبان شناسی قانونی

^۱ - ون دایک، تئون، (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتار، ترجمه پیروز ایزدی و همکاران [تهران]: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

افراد زیادی اذعان دارند که رابطه نزدیکی بین رشته زبان شناسی و رشته حقوق وجود دارد و این رابطه علاوه بر موضوعاتی که در بخش ب و ج پست‌های قبلی به برخی از آنها اشاره گردید، در موضوعات زیر در دادگاه‌ها با ارائه شواهد زبان‌شناختی گره‌گشایی قضات در امر قضاوت و کشف حقایق بوده‌اند:

۱. مسائل زبان‌شناسی مرتبط با شکایات و مناقشات پیرامون سوءاستفاده از علائم تجاری کالاها
 ۲. گویش‌شناسی: در ارتباط با مشکلات گویشی متهمین و مشکل استنباط در تشخیص گویش و لهجه تهدیدکننده بمب‌گذار یا آدم‌رباها که از نوار ضبط شده می‌توانند در خصوص هویت و ملیت متهمین اطلاعات با ارزشی ارائه نمایند.

۳. معانی و تفسیر متن قراردادها، مصوبات و مقررات بر مبنای ویژگیهای تجزیه و تحلیل زبان‌شناسی متن

۴. قابل فهم نمودن دستورالعمل‌ها و نقطه نظرات هیأت منصفه

۵. معانی دیگر زبانها در مقابل معانی زبان انگلیسی معیار آمریکایی

۶. مناقشه پیرامون تألیف و تشخیص اسناد مکتوب مخدوش و تشخیص نویسنده آنها

۷. قابلیت خواندن و فهم متن {مشکل استنباط قضات}

۸. تجزیه و تحلیل گفتمان {Discourse Analysis} به کارگیری اصول شناسایی منظور

در فرایند بازجویی از متهمین و یا گفت و شنود در دادگاه‌ها

۹. آواشناسی و مشکل هویت و شناسایی گوینده^۱

بند ششم: زبان شناسی جنایی در آمریکا

زبان شناسی جنایی شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی و حقوق است که در ده سال اخیر بخصوص از سال ۱۹۹۷ در محافل زبان‌شناسی و حقوقی آمریکا و اروپا مورد توجه گرفته و از آن زمان هر روز از زبان شناسان در ارائه اسناد و شهادت در دادگاه‌ها و ارائه نظر کارشناسی بر روی پرونده‌های محاکم قضایی جهت کشف حقایق و قضاوت دقیق‌تر بهره می‌جویند و این همکاری روز به روز به گسترش می‌باشد. اگرچه دست اندرکاران امر قضاوت نخست با حضور زبان‌شناسی در

۱ - هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۵)، راهنمای علمی پژوهشی کیفی، تهران انتشارات سمت

محاكم قضایی در كشف حقایق چندان خرسند نبودند و در واقع این کار را نوعی تهدید شغلی برای خود حس می کردند اما به زودی دریافتند که نظر کارشناسی متخصصان زبان شناسی در تشخیص موضوعات مورد مناقشه نقش مهمی ایفا می نمایند. با استفاده از نظر متخصصان زبان شناسی، در واقع دادگاه های آمریکا ماده قانونی ۷۰۲ را که در سال ۱۹۷۵ به تصویب رسیده بود، در مورد استفاده از زبان شناسی به مرحله اجرا در آوردند. براساس این ماده استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان مرتبط با موضوع پرونده به طور عام نه تنها در دادگاهها مجاز بلکه لازم شمرده شد. این قانون «نظر علمی متخصصان» را جایگزین «پذیرش عمومی یا اجماع نظر غیرمتخصص» نمود. زبان شناسی جنایی در آمریکا و اروپا محدود به کاربرد یافته های زبان شناسان در دادگاهها و محافل قضایی نشده بلکه جهت تعمیق و گسترش این دو حوزه از علم تحقیقات وسیعی صورت گرفته است که به برخی از آنها به عنوان شاهد در قالب سه نوع فعالیت پژوهشی اشاره می گردد:

الف: تألیف کتب، تعریف سرفصل دروس، چاپ مقالات و پایان نامه های دانشگاهی، از قبیل:

- دروس

- مقالات

- کتاب و پایان نامه

ب. کنفرانس های زبان شناسی جنایی

علاوه بر تألیف کتب و چاپ مقالات متعددی در چند سال اخیر در شاخه زبان شناسی جنایی که در بخش قبل به برخی از آنها اشاره شد، برگزاری ده کنفرانس علمی - تخصصی در کشورهای مختلف از جمله: فنلاند، استرالیا، انگلستان، هندوستان، دلالت بر اهمیت موضوع دارد.

بند هفتم: انتشار مجله تخصصی و تأسیس انجمن زبان شناسی حقوقی

مجله تخصصی زبان شناسی جنایی که در سال ۱۹۹۵ انتشار یافت تاکنون ده دوره آن در قالب بیست شماره منتشر گردیده. این مجله که حاوی مقالات علمی زبان شناسان و حقوقدانان است

در سوم جولای ۲۰۰۳ میلادی عنوان آن به مجله بین‌المللی گفتار، زبان و حقوق (رویکرد) زبان‌شناسی جنایی تغییر یافت، در دانشگاه بیرمنگام انگلستان چاپ و منتشر می‌شود.

بخش چهارم: استفاده از زبان‌شناسی حقوقی در بخش‌های مختلف

بند اول: تقلب در عنوانهای تجاری

زبان‌شناسان قانونی عمدتاً به وکلای مدافع در حل مشکلات مربوط به پرونده‌های حقوقی کمک می‌کنند. به عنوان مثال وکیلی ممکن است به شکایتی در مورد نامهای تجاری رسیدگی کند. شرکتی ممکن است تصور کند نام تجاری شرکت دیگری شباهت زیادی با نام آن شرکت دارد. هرچه نام یک شرکت عام‌تر یا توصیفی‌تر باشد احتمال اینکه توسط دیگر شرکت‌ها به کار رود بیشتر است اما هرچه یک نام نادرتر و تخیلی‌تر باشد، مثل زیراکس و کدک، احتمال آنکه توسط دیگر شرکت‌ها به کار رود کمتر می‌شود. معمولاً نامهایی که بین نام‌های توصیفی و تخیلی قرار می‌گیرند منجر به اقامه دعوی می‌گردند. قانون چنین مقولاتی را اختیاری ۱ یا معنی‌دار ۲ می‌خواند. نامهای تجاری اختیاری واژه‌های غیر تخیلی‌ای هستند که کاربرد عام دارند اما وقتی بر کالاها و خدمات اطلاق می‌گردند، توصیف‌کننده یا تداعی‌کننده اجزا، کیفیت یا ویژگی آن خدمات یا کالا نیستند. نامهای تجاری معنی‌دار واژه‌هایی هستند که معمولاً کاربرد عام دارند، توصیف‌کننده ویژگی یا نقش یک کالا نبوده، اما تداعی‌کننده کیفیت در آن می‌باشند. در این موارد شرکت شاکی باید نشان دهد که نام شرکت دیگر شباهت، هم‌آوا یا هم‌معنای نام شرکت آنهاست. از دید یک زبان‌شناس تشابه‌صوری نامها در حوزه خط‌شناسی، تشابه آوایی در حوزه واج‌شناسی و تشابه معنایی در حوزه معناشناسی جای می‌گیرد. اینجاست که زبان‌شناس فراخوانده می‌شوند تا پس از تحلیل این موارد یافته‌های خود را ارائه دهند.^۱

بند دوم: ضمانت کالاها

زبان‌شناسان قانونی همچنین برای حل مشکلات پرونده‌های مربوط به ضمانت کالاها به کمک طلبیده می‌شوند. ممکن است عجیب به نظر برسد چگونه زبان‌شناسی با این ادعا

^۱ - Brown, G. & G. Yule, (۱۹۸۳). Discourse Analysis. Canbridge: Cambridge University Press.

کالایی باعث وارد آوردن خسارت یا آسیبی به مصرف کننده شده است مرتبط می شود. تصور کنید وکیلی پرونده ای در دست دارد که در آن شخصی به واسطه دستورالعمل های نامناسب مربوط به یک کالا متحمل خسارتی شده است. در این هنگام زبان شناس فراخوانده می شود تا پس از تحلیل زبانی متن دستورالعمل مشخص سازد آیا دستورالعمل روشن، بدون ابهام و کارآمد بوده است یا خیر.

بند سوم: تشخیص هویت سخن گوینان

کمک زبان شناسان به وکلای مدافع در زمینه تشخیص صدا، از دیگر حوزه های قانونی، قدمت بیشتری دارد^۱ به عنوان مثال شخصی تهدیدی را روی پیام گیر تلفن می گذارد و گیرنده پیام آن را به یک وکیل یا مرجع قانونی می سپارد. زبان شناس می تواند با مقایسه ویژگی های صدای پیام با صدای ضبط شده دیگر مظنونین بالقوه به تشخیص هویت سخنگو کمک کند. اگر صدای ضبط شده کیفیت لازم را داشته باشد تحلیل. واج شناسی یکی از شاخه های زبان شناسی است که در آن «واجها» مورد بررسی قرار می گیرند. واج کوچکترین واحد آوایی ممیز معناست، به عنوان مثال ت و د (در واژه های تور و دور) در زبان فارسی دو واج متفاوت اند چون جایگزینی یکی با دیگری باعث تغییر و تمایز معنا می شود. زبان فارسی دارای ۲۹ واج می باشد؛ واج را نباید با حرف که مربوط به نوشتار است کی گرفت. طیف نگاری نیز ممکن است. در غیر این صورت زبان شناس باید برای انجام مقایسه به آموخته ها و مهارت های خود در زمینه آواشناسی متکی باشد. این گونه تحلیلها البته با مشکلات فراوانی همراه اند. اول اینکه تحلیل طیف نگاشتی در برخی از دادگاهها پذیرفته نیست و حتی اگر هم پذیرفته باشد لازم است افراد مظنون پیام تلفنی اولیه را بخوانند تا دقیقاً واژه های قابل مقایسه ای برای تحلیل تولید کنند. به اعتقاد برخی صدای روخوانی یک متن کاملاً مانند گفتار عادی یک مظنون ممکن است سعی کنند الگوهای گفتار عادی خود را تغییر دهند. از سوی دیگر هیئت منصفه بیشتر تحت تأثیر تحلیل ابزارهای الکترونیکی قرار می گیرد تا قضاوت آواشناختی خود زبان شناس، حتی اگر زبان شناس مهارت لازم را هم داشته باشد. در برخی موارد تشخیص صدا، زبان شناس، هم از تحلیل های طیف نگاشتی و هم از مهارت

آواشناسی تولیدی استفاده می کند تا نشان دهد که فرد مظنون گناهکار نیست. به عنوان نمونه در یکی از این موارد نشان داده شد که واژه های شخص مضمون، به منطقه گویشی ای تعلق دارد که با واژه های صدای ضبط شده کاملاً متفاوت است. این یافته نهایتاً منجر به تبرئه مظنون شد. در این مورد تحلیل طیف نگاشتی در جهت تأیید مهارت زبان شناس در حوزه آواشناسی تولیدی به کار گرفته شد.^۱

بند چهارم: تشخیص هویت نویسنده مدارک کتبی

مدارک مکتوب نیز داده های زبان شناسی قانون اند. به عنوان مثال در موارد زیادی تهدیدها به صورت کتبی انجام می شوند. مراجع اجرای قانون سالانه به تحلیل صدها مورد تهدید کتبی می پردازند و اغلب از مهارت روان شناسان برای تهیه پرونده روان شناختی^۲ شخصی که تهدید را ارسال کرده است، استفاده می کنند. در واقع سازمان اف.بی.آی در مرکز خود در ایالت ویرجینیا یک واحد تهیه پرونده دارد. اما اخیراً این سازمان زبان شناسان را نیز برای ایجاد پرونده زبان شناختی فرا خوانده است. ایجاد چنین پرونده هایی دارای دو بخش است. از یک سو زبان شناسان با استفاده از دانش خود درباره نشانه های زبانی مشخص کننده گویشهای منطقه ای و اجتماعی، سن، جنس، تحصیلات و شغل به تحلیل متون برای تشخیص هویت نویسنده می پردازند. از سوی دیگر آنان با مقایسه سبک مدرک با سبک دیگر مدارکی که توسط افراد مظنون احتمالی نوشته شده اند، به تحلیل سبک شناختی می پردازند^۲ تحلیل سبک شناختی بر آن دسته از مشخصه های زبانی خودکار متمرکز می شوند که نویسنده بر آنها آگاهی ندارد یا آگاهی اندکی دارد. برخی از این مشخصه ها عبارت اند از: الگوهای درونه گیری بندها، استفاده از ساختار موازی، حذف that در ساختارهای متممی،^۳ خطاهای خودکار،^۴ علائم نقطه گذاری، ساختار و مشخصه های گفتمان، مشخصه های چاپی مثل خط کشیدن زیر واژه ها، سیاه تر کردن حروف یا ایتالیک نوشتن آنها. باید توجه داشت که ایجاد پرونده های زبان شناختی بیشتر برای محدود کردن لیست افراد مظنون به کار می رود تا شناسایی یک مظنون. البته این بدان معنا نیست که شناسایی یک مظنون به این طریق غیر ممکن است،

^۱ Gibbons, J., (۱۹۹۴). *Language & Law*. London & New York: Longman Publishing

^۲ Mounin G., (۱۹۶۸) *Poésie et société*, Paris, PUF

(۱). چگونگی ساخت جملات مرکب.

(۲). ساختهایی که الگوی مشابهی دارند.

(۳). حذف that در جملات مرکب انگلیسی، مثل: I am surc(that)he will come.

(۴). خطاهایی که به صورت ناخودآگاه بروز می‌کند.

کاربرد زبان تنوع بسیار زیادی دارد و منتهایی که برای مقایسه ارائه می‌شوند برخی مواقع از نظر نوع، سیاق و اندازه متفاوت‌اند.

گاهی نویسندگان تلاش می‌کنند سبک نوشته خود را مخفی سازند. چنین تلاشهایی بیشتر به جنبه‌های آگاهانه‌تر کاربرد زبان مربوط می‌شود تا به مشخصه‌های عمده‌ای که در «پرونده زبان‌شناسی» مورد تحلیل قرار گرفته است.

بند پنجم: آینده زبان‌شناسی قانونی

علاوه بر آنچه تاکنون ذکر شد زبان‌شناسی جنایی می‌تواند در حوزه‌های دیگری نیز به کار آید. به عنوان مثال در زمینه مشکلات ارائه دستور العملهای روشن به اعضای هیئت منصفه کار زیادی انجام گرفته است.^۱ پیش از آنکه هیئت منصفه وارد شور شود، قاضی فهرستی از دستور العملهایی را که در گرفتن رأی نهایی آنها را راهنمایی می‌کند، می‌خواند. زبان‌شناسان دریافته‌اند برخی مواقع این دستور العملها برای اعضای هیئت منصفه قابل درک نیستند و وقتی هیئت منصفه تقاضای رفع ابهام می‌کند همان دستورها دوباره خوانده می‌شوند. در تلاش برای برگرداندن زبان قانون به ربانی که مردم عادی آن را بفهمند و کار به تجدید داری نکشد، حوزه قانون با وظیفه ظریف و دشواری روبروست. این وضعیت نمونه کلاسیکی است از مشکلاتی که زبان دیوان سالارانه قانون دارد. چنین زبانی ممکن است در حوزه قانون مناسب و لازم باشد اما همچون دیگر زبانهای تخصصی وقتی خارج از حوزه خود به کار رود با مشکلاتی مواجه می‌شود.

^۱ Coulthard, M. ana A. Johnson, (۲۰۰۷). Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence. London & NewYork: Routledge

از سوی دیگر برخس از زبان‌شناسان قانونی به مسئله عدم توازن قدرت در دادگاهها می‌پردازند.^۱ در جلسات محاکمه وکلای مدافع و اعضای دادگاه زبان پر قدرتی دارند. علاوه بر آن شهادت شهود با چهارچوب پرسش-پاسخ مشخصی کنترل می‌شود که وکلا را قادر می‌سازد توالی و محتوای آنچه را که گفته شده است سازماندهی کنند، اما هرچقدر این چهارچوبها برای محاکمات مفید یا ضروری باشند با کاربرد طبیعی و بهنجار زبان توسط مردم عادی تفاوت دارند. این نوع پرسش و پاسخ مانع از آن می‌شود که افراد موضوع را به زبان خود تعریف کنند، ضمن اینکه ممکن است نتوانند از عهده ادای آنچه می‌خواهند بگویند، برآیند یا اینکه تحت تأثیر جو حاکم بر دادگاه به واسطه شیوه گفتارشان افرادی بی‌کفایت یا حتی دروغگو به حساب آیند. یکی از تجارب اضطراب آوری که شهود عادی درباره آن صحبت می‌کنند این است که مجبور شده‌اند به سؤالاتی پاسخ بدهند که پاسخ مناسب یا کامل هیچ‌یک از آنها بله یا خیر نبوده است. قدرت زبانی وکلا، ضعف زبانی شهود، زبان مورد استفاده قضات و زبان مورد استفاده در دادگاه^۲ موضوع بسیاری از بررسیهای اخیر بوده است. در مواردی متهمان، شاکیان یا شهود گویندگان بومی زبان نیستند. این مسئله مشکلی جدی را برای خود این افراد، وکلای مدافع و دادگاه ایجاد می‌کند^۳ در سالهای اخیر زبان‌شناسان قانونی به این مسئله پرداخته‌اند و اکنون در برخی دادگاهها در صورت نیاز مفسران حاضر می‌شوند. قانون مفسران دادگاههای فدرال آمریکادر سال ۱۹۷۸ به این منظور طراحی شده بود که حقوق قانونی افراد غیر انگلیسی زبان و مبتلایان به اختلالات شنیداری نادیده گرفته نشود. گرچه این اقدام با ارزش و ضروری است اما انبوهی از مشکلات همچنان باقی می‌ماند. چگونه این مفسران را انتخاب و تربیت می‌کنیم؟ چگونه می‌توان برای تمام زبانها چنین خدماتی را ارائه کرد؟ چگونه می‌دانیم یک فرد غیر انگلیسی زبان مهارت کافی در زبان را کسب کرده است تا محاکمه به زبان انگلیسی برگزار شود. مشکلات بیشتر دیگر ناشی از

^۱ - Linguistics in the Courtroom: A Practical Guide. New York: Oxford University Press (۲۰۰۶).

^۲ - Didier E., (۱۹۹۰) Langues et langages du droit, Wilson et Lafleur, Montréal

^۳ - Brown, G. & G. Yule, (۱۹۸۳). Discourse Analysis. Cambridge: Cambridge University Press

بی اطلاعی برخی از دادگاهها در این گونه موارد است. به عنوان مثال وقتی ضبط صدا به زبان چینی یا اسپانیایی صورت می گیرد، دادگاه معمولاً از یک مترجم می خواهد که آن را به انگلیسی ترجمه کند. این ترجمه بعداً به عنوان مدرک در دادگاه ارائه می شود. اما آنچه در این میان نادیده گرفته می شود تهیه متن مکتوب مکالمات است تا ترجمه بر اساس آن انجام گیرد. همان خطاهایی که هنگام تهیه متن مکتوب مکالمات بروز می کرد در اینجا نیز ممکن است بروز کند. بدون وجود متن مکتوب اولیه بحث درباره درستی ترجمه به خودی خود منتقی می شود. ترجمه مستقیم مکالمات ممکن است به لحاظ زمانی و مالی مقرون به صرفه باشد، اما از دید زبان شناختی ساده انگارانه است. زبان شناسان قانونی اخیراً تلاش می کنند تا این نکته رابه دادگاهها گوشزد کنند. افزون بر اینها، ترجمه زبان کسانی که دچار اختلالات شنوایی هستند با مشکلات بیشتری همراه است، چرا که به عنوان مثال زبان اشاره آمریکایی را نمی توان به سادگی به جملات سلیس انگلیسی برگرداند. در پرونده های کیفری زبان شناسان همچنین از دانش خود درباره کنشهای گفتار کمک می گیرند تا به پیشنهادها، قولها (وعده ها)، انکارها و توافقهایی که در خلال مکالمه صورت می گیرد وقوف یابند. به علاوه، آنها اعترافاتی را که هنگام بازجویی پلیس صورت می گیرد بررسی می کنند تا روشن سازند چه چیزی مورد اعتراف قرار گرفته است و آیا شیوه گرفتن اعتراف بر ماهیت آن تأثیری داشته است یا خیر. امروزه مراجع اجرای قانون بیش از پیش به ثبت و ضبط این اعترافات پردازند تا بعدها به اعمال فشار بی مورد متهم نشوند. این نوارها زبان شناسان را قادر می سازند تا دانش خود را برای کمک به دادستان یا وکیل مدافع به کار گیرند.^۱ خلاصه آنکه، آینده زبان شناسی جنایی امیدبخش به نظر می رسد.

نتیجه گیری

تحلیل متن آرای قضایی نشان می دهد که از لحاظ زبان شناختی، دشواری ها و پیچیدگی های متن آرای قضایی ناشی از سبک و ساختار پیچیده آن است. از جمله: طولانی نویسی، استفاده فراوان از واژه های عربی و عبارات حرف اضافه ای، عدم رعایت اصول نشانه گذاری و همچنین

^۱ Shuy, R. W., (۱۹۹۸). Bureaucratic Language in Government & Business. Washington D. C.: Georgetown University Press

به کارگیری واژه‌های تخصصی و اصطلاحات حقوقی (بدون ارائه تعریف مناسب به طوری که برای غیرحقوق دانان هم قابل فهم باشد). همچنین طی پیاده‌سازی رای در «الگوی خلاق» مشاهده شد که با تقطیع ساخت موضوعی متن رای دادگاه می‌توان به مضمون هر بخش و همچنین علائم گفتمانی و اصطلاحات خاص حقوقی هر قسمت پی برد و با شناسایی ساخت موضوعی آرای قضایی و تقطیع آن به مضامین مختلف و سپس حذف عناصر و گزاره‌های غیرضروری متن، می‌توان بدون هرگونه لطمه به انسجام معنایی متن رای، عبارات کلیدی آن را از سایر عناصر غیرضروری مجزا ساخت. پس از آزمودن الگو به روش «گروه کانونی» به این نتیجه رسیدیم که اهمیت بخش‌های مختلف خلاصه آرای قضایی (به لحاظ معنای زبانی) و کمیت زبانی داده‌های مستخرج از آرای قضایی در هر بخش از خلاصه رای (به لحاظ حجمی) الزاما با هم رابطه مستقیم ندارند. همچنین آزمودن الگو به روش بررسی مقایسه‌ای نشان داد که «الگوی خلاق» موجب ارتقای پیوستگی معنایی، قابلیت درک آسان‌تر و شفافیت و صراحت بیان بیشتر در متن آرای قضایی می‌شود. از نتایج فرعی این پژوهش این است که آرای مدنی را راحت‌تر از آرای کیفری می‌توان خلاصه‌نویسی کرد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. امامی، سید حسن (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، ج ۱، تهران، اسلامیه.
۲. آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۴)، «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی»، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی،
۳. حبیبی، حسن، (۱۳۷۴)، «زبان حقوقی»، مجله نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۱، ۱۳-۳۷.
۴. خسروی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، آیین نگارش حقوقی، تهران، موسسه انتشاراتی نگاه بینه.
۵. داوودی رئیس، ماندانا، (۱۳۸۴)، «تاثیر روابط قدرت بر ژانر دفاع کودکان بزهدکار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. شای، راجردلیو، (۱۳۸۲)، «زبان‌شناسی قانونی»، ترجمه اعظم استاجی، مجله زبان‌شناسی، س ۲۰، ش ۲.
۷. صالحی‌راد، محمد، (۱۳۸۵)، آیین نگارش آرای قضایی، تهران: موسسه انتشاراتی نگاه بینه.
۸. صفی، نفیسه، (۱۳۸۶)، ویژگی‌های کلامی جدلهای میان زنان و مردان در دادگاه خانواده شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور.
۹. لطیفی‌خواه، پریا، (۱۳۸۱)، «بررسی ساختار نحوی متن قانون مدنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد واحد مرکز.
۱۰. ون دایک، تئون، (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه پیروز ایزدی و همکاران [تهران]: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

ب) منابع لاتین

۱۱. Brown, G. & G. Yule, (۱۹۸۳). Discourse Analysis. Canbridge: Cambridge University Press.
۱۲. Coulthard, M. ana A. Johnson, (۲۰۰۷). Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence. London & NewYork: Routledge.
۱۳. Gibbons, J., (۱۹۹۴). Laniage & Law. London & New York: Longman Publishing.
۱۴. Halliday, M. A. K. and R. Hassan, (۱۹۷۶). Cohesion in English. London: Longman.
۱۵. Olsson, J., (۲۰۰۳). What Is Forensic Linguistics? England: Nebraska Wesleyan University.
۱۶. Tiersma, P. and L. Solan, (۲۰۰۴). Cops & Robbers: Selective Literalism in American Law. In: Law & Society Review, vol۳۸, no۲. PP ۲۲۲-۲۶۶.
۱۷. Archive de philosophie du droit, (۱۹۷۴) Le langage du droit, Publié avec le concours du CNRS, Sirey, T.۱۹
۱۸. Viandier A.,(۱۹۸۸) Recherche de légistique comparée, Fondation européenne de la science, Springer – Verlag, Berlin